

نوشته: حسین علی ملاح

بنیاد موسیقی در ایران

موسیقی هنری است با روان آدمی آمیخته است و بهمین سبب نمیتوان طایفه‌ای از خانواده بشری را بالکل عاری از این هنر دانست و بر بنیاد این اندیشه ایرانیان نیز بخودی خود در محدوده این نظریه قرار میگیرند و بی گمان نمیتوانند از این شمول کلی مستثنی باشند. بویژه که این آدمیان با قبایل و اقوام دور یا نزدیک به سامان خود (مانند: آشور، فنیقیه، هند، مصر و غیره که واجد انواع موسیقی بوده‌اند) پیوسته در جنگ و آشتی و داد و ستد بوده‌اند، دامنه این پیوستگی‌ها و پیکارها به آنجا میرسد که گاه اوقات معتقدات قبایل مغلوب دگر گونی‌هایی در عقاید و اندیشه‌های مذهبی و اجتماعی و هنری پیروزمندان بوجود می‌آورد، بی بنیاد نیست که خدای آشوریان کاملاً هم نام و همانند خدای کاسیتی (۱) هاست. گیرشمن نوشته است (۲): «چنانکه در عهدی که ایران از دیگران اقتباس میکرد هم‌چنان به دیگران عاریت می‌داده است... ایران چنانکه دیدیم شاهرهای بود برای نهضت ملل و

۱- کاسیت‌ها یاسیت‌ها از نژاد آریائی بوده‌اند که پیش از مادها و پارس‌ها به این سرزمین آمده‌اند (تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران، تألیف آقای عیسی بهنام).

۲- ایران از آغاز تا اسلام - فصل ماقبل تاریخ ص ۳۷ و ۳۸.

انتقال افکار از عهد ماقبل تاریخ به بعد، و در مدتی بیش از هزار سال وی این وضع مهم را به منزله واسطه و میانجی شرق و غرب حفظ کرد - در عوض آنچه او دریافت می داشت هرگز از تأدیة باز نایستاد، عمل او عبارت بود از دریافت دانش، توسعه بخشیدن و سپس انتقال دادن.

فارمر (۱) FARMER نوشته است: «نکته مسلم در تعبیه آلات موسیقی، نفوذی که ایران در یونان نمود بیش از تأثیری است که یونان در ایران کرد... هویدا است که در ایران انواع «چنگ» وجود داشت در یونان جز «لوره» چیزی نبود، و قیتار را نیز یونانیان از همسایگان شرقی خویش اقتباس کرده بودند و بهمین سبب آنرا قیتار شرقی می نامیدند - از تصویر نوازندگان شوشی که بر بناهای آشور بانی پال نقش شده خوب آشکار است که در تعبیه آلات موسیقی ایرانیان محتاج آن نبودند که از یونانیان تعلیم بگیرند...» (۲)

ماراکاری به نفی این اندیشه کهن نیست که: «حکمت و ریاضیات و موسیقی علمی ما ایرانیان ما خود از یونانیان است.» - این حکمی است که در طول قرنها صادر شده و در اندیشه ها رسوخ کرده و فرم گرفته و زدودن آن به آسانی میسر نیست، ولی به اعتبار ابراز نظرهائی نظیر آنچه که از فارمر نقل کردیم میتوان گفت که تجدید نظر در این اندیشه و یا لا اقل معتقد به شك و تردید شدن ضروری است.

فارمر در کتاب «منابع موسیقی عرب» (۳) راجع به «حنین ابن اسحق» نوشته است: «مشهورترین اثر حنین ابن اسحق (متوفی بسال ۳۶۰ هجری مطابق با ۸۷۳ میلادی) کتاب «آداب الفلاسفه» است که خلاصه ایست درباره موسیقی از قول حکما و فیلسوفان یونانی که نام هیچیک از آنها در منابع و رسالات یونانی ذکر نشده است و پاره ای از این نامها کاملاً جعلی بنظر می آید.

درست است که ایرانیان با آمیزشها و همبستگیها و پیروزیها و شکستها، بنحو آشکاری از تمدن سایر ملت ها بهره بر گرفته اند ولی نباید فراموش کرد که بهمان نسبت نیز (بقول گیرشمن) ثمر بخش بوده اند.

در تأیید این نظریه نوشته اند (۴): «... بعلاوه مدارك و آثار تاریخی بسیار و خط تجوید و اصطلاحات فارسی و فنی موسیقی که نقل و تعریف آنها بعربی ممکن نبود، در تاریخ عیسوی راجع به تنظیم سرودهای مذهبی چیزی نوشته اند که خلاصه آن اینست: در قرن پنجم میلادی دو نفر ایرانی برای یاد دادن سرودهای مذهبی به میلان میروند، آهنگهایی که این دو نفر

۱- هانری جرج فارمر موسیقی شناس نامدار انگلیسی که بسال ۱۸۸۳ زاده شده و دارای تألیفات معتبری است.

۲- (تلخیص از مجله روز گارنو - ج - ۲ - شماره دوم پائیز ۱۹۴۲).

۳- THE SOURCES OF ARABIAN MUSIC (ص هفتم مقدمه).

۴- ایران کوده (ص ۳۸).

در کلیسا تنظیم داده بودند بطوری موثر بوده که «سنت اگوستن» هنگام شنیدن آنها اشک از چشمانش روان گردیده است.»

مؤلف لاروس موسیقی نوشته است (۱): «ثبت صداها بصورت الفبائی از طریق ایران و مصر و جزایر اژه به یونان رسیده است.»

بر خلاف آنچه که گفته اند «مصدر علم موسیقی یونان است» مؤلف لاروس موسیقی معتقد است که (۲): «هندیها و ایرانیها نخستین ملتی هستند که برای ثبت ادعیه و الحان خود علامت‌هایی ابداع کرده‌اند - نوت نویسی سرودهای «ودا VEDA» با علائم عددی و چگونگی نشان دادن تاکیدها و تکیه‌ها (آکسانها)ی هر هجا یکی از قدیمی‌ترین نوع ثبت اصوات و الحان بشمار می‌آید... تلفیق موسیقی با کلام و نامگذاری اصوات مانند: سا (SA) ر (RÉ) گا (GA) ما (MA) دا (DHA) نی (NI) میتواند مقدمه ظهور و بروز (سلفژ) در هند بحساب بیاید... این ابداعات از طریق مشرق زمین (ایرانیان و اعراب) به اروپائیان شناسانده شده است.»

نباید فراموش کرد که بسیاری از نوشته‌های پرارزش ایرانیان در یورشها و آتش‌سوزیها و فتنه‌ها منهدم و مضمحل شده است و چه بسا که در تغییر حکومتها آثار هنری و صنعتی پیشینیان یکسره محو گردیده است، بی‌سبب نیست که حتی در شاهنامه فردوسی نیز از اشکانیان و حکومت چهارصد و هفتاد و شش ساله آنها سخنی بسزا نرفته است.

باستان‌شناسان بر این اعتقادند که تمدن ساکنان دوره اول سیلک SYALK کاشان تمدن اولیه نیست بلکه تمدن آدمیانی است که پس از قرن‌ها چادر نشینی و صحراگردی ب فکر ساختن خانه‌های گلی افتادند، و پس از چندی از دوران سرگردانی به عصر کشاورزی و پیدایش سفال و پرورش دام رسیده‌اند، این آدمیان تشکیل جامعه و حکومت داده و اشیاء و ابزارهایی ساخته و اعتقاداتی پیدا کرده و برای دفع شر، سلاحهایی درست کرده و برای شادی و نشاط خود و یا جلب رأفت خدایان خویشتن و سایللی برانگیخته و رقص‌ها و آوازها و سازهایی ابداع کرده‌اند.

بدست آمدن يك قطعه از ظرف سفالی از تپه سیلک کاشان که بر روی آن زنانی نقش شده است که به پایکوبی مشغولند و مربوط به عصر پیش از تاریخ است (۳) نشانه‌ای است بر وجود بقیه در صفحه ۸۳

1- LAROUSSE DE LA MUSIQUE

۲- لاروس موسیقی ج: اول - ص ۴۴۸.

۳- رك به : تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ - نگارش آقای عیسی بهنام (ص ۱۶ - ۴۴ و ۴۵) این قطعه سفالین که بر روی آن عده‌ای از مردم پیش از تاریخ نقش شده است که بهنگام برداشت محصول جشن گرفته و دسته‌جمعی مشغول رقص هستند از طبقه سوم تپه سیلک بدست آمده است و در موزه ایران باستان نگاهداری میشود.

بنیاد موسیقی در ایران

بقیه از صفحه ۱۶

موسیقی بزمی در آن روزگاران - بنیاد این رقص‌ها بر وزن (ریتم) استوار بوده و سازهایی که بکار میرفته احتمالاً از نوع سازهای ضربی (یا کوبه‌ای) مانند : چغانه .. طبل - دست برنجن یا پا برنجن بوده است (۱).

چند مهر استوانه‌ای از تپه گیان شهر نهاوند بدست آمده که بر روی یکی از آنها تصویر کسی نقش شده است که مشغول رقصیدن است در دست او آلتی است که میتوان آنرا به نوعی چغانه کوچک یا زنگوله‌های خاص رقصان آن اعصار تعبیر کرد - این مهر و این نقش مربوط به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح است.

موسیقی در عهد هخامنشیان

کز نفون XENOPHON مورخ یونانی از زبان کورش که نیای خود استیاک را سرمست از باده سکر آور (۲) می بیند چنین می گوید: «آوازه‌های مضحك میخوانید بی آنکه آواز دیگری را بشنوید و قسم میخورید که آوازش دلرباست... هر کدام از شما به نیروی خود می‌بالید، ولی وقتی که لازم شد بر خاسته رقص کنید، نه فقط نمی‌توانید برقصید، بلکه نمیتوانید بایستید...»

توجه به این مطلب یادآور این نکته است که:

اولاً - هم آوازی در آن روزگار معمول بوده است.

ثانیاً - در مجالس بزم نوعی موسیقی برای پایکوبی داشته‌اند.

نوشته‌اند: «در جشن مهرگان پس از نیایش «میترا» (مهر) و عمل فدییه و نیاز و نثار و

آشامیدن عصاره سکر آور به رقصیدن می‌پرداختند».

در باره جنگ کورش با سربازان پادشاه لیدی بنام «کرزوس» نوشته‌اند: «کورش طوری از کشته شدن سربازان طبری و طالشی معلوم گردید که بعد از جنگ و سقوط آن شهر برای مرگ سربازان مازندرانی و طالشی سرود عزای ترنم کرد. و این همان سرود است که در ادوار بعد به اسم: سرود مرگ سیاوش خوانده شد و ایرانیان در عزای بزرگ، آن سرود را ترنم میکردند».

- ۱- در کتاب ایران از آغاز تا اسلام - تألیف پروفیسور گیرشمن - ترجمه شادروان محمد معین (ص ۲۴) تصویری از رقص مردم آن روزگار چاپ شده و چنین مرقوم رفته است: «وزمانی نیز عده‌ای از رقصان رقص مقدس را اجرا می‌کنند».
- ۲- در آن روزگاران از گیاهی موسوم به «هئومه» عصاره‌ای گرفته میشد که سکر آور بود این گیاه را هندیها «سومه» یا به اختصار «می» میگویند.

که اینها خود نشانه وجود نوعی موسیقی مذهبی در آن روزگاران بوده است .
 واما در باره موسیقی رزمی چنین نوشته اند : « کورش هنگام حمله به قشون آشور ،
 بنا بر عادت خود سرودی آغاز کرد که سپاهیان با صدای بلند و با احترام و
 ادب زیاد آنرا بخواندند ، و چون سرود پایان رسید آزاد مردان با قدم های مساوی و با
 نظم تمام ، براه افتادند .

و در جای دیگر کز نفون نوشته است : « کورش برای حرکت سپاه چنین دستور داد که
 صدای شیپور علامت حرکت و عزیمت خواهد بود و همینکه صدای شیپور
 بلند شد باید همه سر بازان حاضر باشند و حرکت کنند . »

پس از چند سطر کز نفون نوشته است : « در نیمه شب که صدای شیپور عزیمت و رحیل
 بلند شد کورش سردار سپاه را فرمان داد تا با همراهان خود در جلوی صفوف سپاهیان قرار
 گیرد - بعد کورش میگوید : همینکه به محل مقصود رسیدم و حملات دو سپاه نزدیک شد
 سرود جنگی را میخوانم و شما بی درنگ جواب مرا بدهید ... در موقع حمله
 چنانکه گفته بود ، کورش سرود جنگی را آغاز کرد و سپاه همگی با وی هم آواز شدند . »
 بعدها ، (آمی بن مارسین AMMIEN MARCELLIN مورخ رومی نوشته است :
 « واحدهای پیاده ایرانی شهر آمیدرا با نوای شیپور در محاصره گرفتند . »

الیزه لانگلو ELISÉE LAGLOIS مورخ ارمنی در کتاب مجموعه تاریخهای
 ارمنستان (۱) نوشته است : « به سر بازان ایرانی فرمان داده شد که حمله خود را با صدای
 شیپور آغاز کنند . »

مطالبی که نقل شد مبین مطالب زیر است :

- ۱- سه نوع موسیقی در آن اعصار معمول بوده است : موسیقی بزمی ، موسیقی مذهبی
 و موسیقی رزمی .
- ۲- در رقصها (چه بزمی و چه مذهبی) سرود خواندن نیز معمول بوده است - و در
 پایکوبیهای بزمی سازهایی مانند : نای ، سورنای ، چغانه ، دست برنجن و پابرنجن و طبل
 بکار میرفته است .
- ۳- در جنگها ، سرود رزمی خوانده میشده و سازهایی مانند : شیپور (کر میل) و طبل
 نواخته میشده است .
- ۴- در مراسم مذهبی سرود خوانده میشده ولی آشکار نیست که آیا همراه این سرودها
 سازی نواخته میشده است یا نه ؟
- ۵- بی شک ابداع این الحان و سرودها (چه بزمی یا مذهبی) قواعد و اصولی
 داشته که از طرف آهنگ سازان و موسیقی دانان رعایت میشده است .

۶- تردیدی نیست که سرودهای رزمی، پیش از پیکار در سر بازخانه به سپاهیان آموخته می‌شده، بنابراین واحدی برای آموزش موسیقی وجود داشته است - همچنین بی تردید می‌توان گفت که نوازندگان شیپور و طبل‌های رزمی نیز اصول نوازندگی این سازها را در واحدی که آموزش موسیقی برعهده آن بوده است فرا می‌گرفته‌اند.

۷- لحن و آهنگ این سرودها چه بوده و چه کسی آفریننده آنها بوده است؟ ... شکی نیست که آهنگ شیپور بیدارباش بالحن شیپور یورش و حمله تفاوت آشکاری داشته و یقیناً لحن شیپور هزیمت و آهنگ شیپور پیروزی گونه دیگری بوده است... ناگزیر باید پذیرفت که برای ابداع این الحان و آموختن آنها به دیگران از افرادی آزموده و آشنا به قواعد و اصول موسیقی مدد می‌گرفته‌اند... اینان چه نام داشته‌اند و آهنگسازی را که از آموخته بودند بر ما مجهول است.

* * *

در دوره پارتها، روسپیان با آواز و ساز ورقص خود، بزم‌های بزرگان را رونق می‌دادند.

«ژوستن» تاریخ‌نویس رومی نوشته است: «پارت‌ها به شرب شراب نیز معتاد بودند... و در مجالس جشن و سرور بحد و فوری نوشیدند، آلات موسیقی آنها عبارت بود از: **فای**، **نی لبك**، **طبل یادهل** در اعیاد و ضیافتها اغلب، مجالسشان با رقص خاتمه پیدا می‌کرد.» در کتاب: «در رالنجان فی تاریخ اشکان» آمده است (۱): «سلاطین اشکانی و ارکان دولت واعیان و بزرگان آن قوم به ساز و آواز ورقص و طرب کمال میل را داشته‌اند و آلات طرب آنها: **نی**، **طبل کوچك** و **يك** قسم سرنائی بوده است موسوم به «سامبوکا» (۲).

فی الجمله از سازهای ممتاز از قبیل ارغنون و غیره چیزی نداشته‌اند. «در آثار دوره اشکانیان یا پارتها که متأسفانه مقدار آنها چندان زیاد نیست جز در **يك** یا دو مورد هیچ نقش یا تصویری از رقصان و آلات موسیقی موجود نیست، برای مثال در داخل **خاك** ایران کنونی، تنها در بین نقاشی‌های کوه خواجه واقع در وسط دریاچه هامون سیستان اثری از رقص و آلات موسیقی مشاهده می‌گردد، بدینگونه که در ضمن چند تصویر رنگین که بر دیوار معبد اشکانی نقش شده است، مجالسی از نقش سواری که بر پشت **پلنك** خشمگین نشسته، کسانی که در حال نواختن سازهای بادی شبیه **فای** و **سور فای** می‌باشند و شخص دیگری که در حال انجام کارهای ورزشی نظیر بالانس و عملیات اکروباسی است نشان داده شده - **يك** تن نیز بحالت رقص نشان داده شده است - و پیدا است که نقاش این مجالس بدینوسیله

۱ - تألیف: محمد حسن خان اعتماد السلطنه .

۱ - سامبوکا همان تامبوکا یا تمبوکا یا تنبوک است که بطن نزدیک بیقین تنبک یا

دنبک امروز باید باشد.

خواسته است قسمتی از تفریحات بزم اشکانیان را نمودار سازد (۱).

نگارنده ضمن تفحص در موزه ایران باستان تهران يك نقش برجسته سفالی مربوط به دوره پارسی مشاهده کرد که : زنی را در حال نواختن چنگ نشان میدهد . چنگی که در دست این نوازنده هست شباهت زیادی به چنگ حک شده در شکار گاه گرازیستون دارد - نکته جالب اینست که : در تمام نقش برجسته‌ها و نقاشیها، نوازندگان این قبیل چنگها در حال نشسته نقش شده‌اند در صورتیکه این بانو، همین چنگ را ایستاده در بغل گرفته و می‌نوازد (۲).

وجود این چنگ در عصر پارتها نشانه دست یافتن هنرمندان آن روزگار به اصوات مطبوع بیشتری است - همچنین مبین این نکته میتواند باشد که : پی‌ریزی قواعد و اصول موسیقی علمی که ابداع آن را به باربد (موسیقی‌دان عصر خسرو پرویز ساسانی) نسبت میدهند درست نیست و بی‌شک سابقه قدیم‌تری دارد - نکته دیگر آنکه : چنگهای معمولی در عصر ساسانیان همین شکل و صورتی را داشته است که در عصر اشکانیان نیز متداول بوده است . بنابراین افسانه اینکه رامین یا رامتین (موسیقی‌دان و چنگ‌نواز عصر خسرو پرویز) مبتکر یا ابداع‌کننده چنگ است بی‌بنیاد است . نکته مهم‌تر اینکه : در آن روزگار که ایرانیان دارای چنین چنگی بوده‌اند بقول فارمر : یونانیان فقط واجد سازی بنام « لیر » بوده‌اند که بیش از چند رشته نداشته است .

اکنون شایسته است به موضوعی اشاره کنیم که از لحاظ تاریخ موسیقی سند و مدرک معتبری است بر قدمت این هنر و رواج آن در اعصار گذشته ایران و آن سرودهای زرتشت و خدمات این پیامبر ایرانی به موسیقی عصر خود و اعصار بعدی است (اما از آنجا که این مبحث در سلسله مقالاتی تحت عنوان : تصنیف کهن‌ترین پیوند شعر و موسیقی - در همین نشریه بچاپ رسیده است - منحصرأ نکته‌هایی از آن استخراج میگردد و خواستاران را به باب موسیقی مذهبی این سلسله مقالات هدایت مینماید).

تعیین تاریخ ظهور زرتشت بطور قطع و یقین دشوار است - برخی ظهور او را یازده هزار و پانصد و شصت و هشت سال پیش نوشته‌اند - دکتر معین ظهور این پیامبر را چهار هزار سال قبل نوشته - فردوسی و دقیقی ظهور او را همزمان با سلطنت گشتاسب یکی از پادشاهان سلسله کیانی سروده‌اند (خود زرتشت در یکی از بسننها بدین مورد اشاره کرده و گفته است

۱- کتاب سرگذشت رقص در ایران - کتاب ایران در شرق قدیم تألیف : ۱- هر تسفلد

گزارشهای باستان‌شناسی مجلد سوم ص ۱۶۵ .

۲- این نقش برجسته تحت شماره ۳۸۷ در موزه ایران باستان موجود است - طبق

شرحی که در دفتر خاص اشیاء موزه نوشته شده : «... محل اکتشاف : شوش - تاریخ اکتشاف

معلوم نیست - دوره تاریخی : پارسی ... تعیین شده است .

نخستین پادشاهی که دین مرا پذیرفته گشتاسب است) پرفسور: جان- و- دریپر DRIPER ظهور وی را ۲۶۶۸ سال قبل تعیین کرده و جان ناس (مولف تاریخ جامع ادیان) تولد او را ۲۶۳۱ سال پیش دانسته است.

مرادما از ذکر تاریخ تقریبی ظهور زردشت آن بوده است که دریابیم رشد فکری و اجتماعی ملت ایران بهنگام ظهور این پیامبر در چه مرحله بوده و سایر ملتها که بداشتن تمدنی درخشان و ثمربخش نام آور شده اند در چه شرایطی میزیستند - شاید این تذکرها موجب گردد که اندیشه تازه ای در مخیله «هلنیکها» (۱) راه یابد.

۱- اکنون میپردازیم به بیان چگونگی سرودهای زرتشت: که با الحان یا نواهایی خاص خوانده میشده اند.

۲- سرودهای زرتشت هم جنبه مذهبی داشته اند و هم جنبه رزمی . (باید گفت که هیچ یک از این دو جنبه از ابتکارات و ابداعات زرتشت بشمار نمی آید ، زیرا همانطور که پیش از این تذکار شد موسیقی ایرانیان واجد این دو جنبه بوده است - اهمیت زرتشت در این زمینه از آنروست که : توجه به اهمیت موسیقی در جامعه و تأثیر آن در روان آدمیان داشته و نسبت به برگزیدن الحان و کلماتی که خود فی نفسه واجد صدای موسیقایی بوده اند ذوق سرشاری بکار برده است.)

۳- موسیقی هر سرود عموماً از محدوده يك ذوالاربع یا ذوالخمس (چهارم یا پنجم درست) تجاوز نمی کند .

۴- در آخر هر مصراع جمله کوتاهی از موسیقی تکرار میشود که حالتی ملکوتی به سرود میدهد.

۵- از آنجا که هر خواننده بنحو خاصی این سرودها را میخواند، بالطبع ارزش زمانی اصوات و تحریرها و سکوتها یکسان نیستند - ولی با این احوال خوانندگان در انتخاب مدهای اصلی (مقام یا مایه آهنگ یا دستگاه) سرودها ، اصالت آنرا رعایت می کنند.

۶- زرتشت نخستین کسی است در ایران که خط ویژه ای بنام دین دبیره برای ثبت الحان ابداع کرده است.

لازم است گفته شود که : «آیین مزدیسنی در زمان پادشاهان بزرگ هخامنشی مانند: کورش و داریوش و دیگران مذهب رسمی ایران بود و با بسط امپراطوری ایران به کشورهای آسیای غربی نفوذ کرد - پس از ۳۳۰ قبل از میلاد ، استیلای اسکندر بر ایران و نفوذ زبان و

۱- HELLENIQUE به طرفداران تمدن و فرهنگ و هنر یونان باستان گفته میشود.
۲- این لفظ در اوستا با حرف «ک . ا . ث . ا» ضبط شده است و فرنگیان آنرا بخط خود . گاته یا گاتهایا گاتها - نویسند ولی گاته خوانند و بعضی از متاخران آنرا جمع گات دانسته اند که نباید درست باشد.

فرهنگ و آداب یونانی در زمان جانشینان سلوکی وی، ضربت سختی بر پیکر آیین زرتشتی وارد کرد - اما در دوران فرمانروایی اشکانیان (از حدود ۲۵۰ ق - م - تا ۲۲۶ میلادی) و خصوصاً ساسانیان (۲۲۶ تا ۶۴۱ میلادی) آیین زرتشت زنده شد... فتح ایران بدست مسلمانان در سال ۶۴۱ میلادی دوباره سبب شد که زرتشتیان مورد زجر و آزار و زیر فشار قرار بگیرند و بدانسان که اندک اندک بصورت اقلیتی در آبادیهای دوردست کرمان و یزد درآیدند، (در روزگار ما زرتشتیان از آزادی مذهب و برابری حقوق اجتماعی برخوردارند) بعضی از زرتشتیان، بویژه پیشوایان این مذهب به هندوستان گریختند... محققان بر این عقیده اند که آهنگهای سرودهای زرتشت که هم اکنون در دهکده داوداوا UDVADA، ی هندوستان خوانده میشود از بسیاری جهات متکی به همان سرودهای اعصار بسیار دور میباشد. استادان موسیقی (۱) که این سرودها را بررسی کرده اند علاوه بر اینکه گفته اند: احتمالاً امروز قدیمی ترین موسیقی جهان بشمار می آید نظر داده اند که:

اولاً - اکثر سرودها بصورت تک خوانی است و با سازی همراه نیست.

ثانیاً - آهنگها مبتنی بر یک نمونه ساختمان هجائی ساده است یعنی، یک صدا (نوت) در ازای یک هجا (سیلاب).

ثالثاً - طول یا کسش صداها و کمیت مصوتها در متن، غالباً یکسان نیست.

رابعاً - دانک نغمات بسیار محدود است و اکثر در مقامهای بزرگ (مدماژور) ساخته شده اند.

خامساً - نوع صدا (از نظر درجه بندی وسعت صداها) صدای تنور TENOR است.

سادساً - در سراسر سرود، آخر جملات موسیقی تکرار میشود.

حاصل سخن اینکه: در دو هزار و ششصد و شصت و هشت سال پیش - ایرانیان: واجد سه نوع موسیقی بوده اند که هر یک قواعد و اصولی داشته است... آموزشگاههایی وجود داشته که ویژه تعلیم این هنر بوده است. علاوه بر قواعد موجود خطی نیز برای ثبت الحان سرودهای مذهبی وجود داشته است.

این خط که نوعی الفبای آوایی بوده بعدها توسط فینیقیها (که مردمانی تاجر پیشه و در واقع را بط شرق و غرب بودند) به یونان رسیده و از آن طریق به اروپا رفته است (۲).

ناتمام

۱- پروفیسور انگلیش ENGLISH و پروفیسور وود WOOD - استادان کنسرواتور ویرجینیای شمالی آمریکا.

۲- فارمر می گوید: «از میان حروف عربی، حرفهای: دال - ر - میم - ف - صاد لام - سین و مجدداً: دال - برای نامگذاری نوتهای موسیقی توسط غربیان اخذ شده است و موضوع انتخاب حرفهای اول سرود سن ژان بی بنیاد است.»